



A Critical Study of Neoliberal Transformations in Post-Revolutionary Iran's Public Education

Mohammad Darkesh¹ | Seyed Ahmad Firozabadi²

1. Corresponding author, Department of Development Studies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: m.darkesh@ut.ac.ir

2. Department of Development Studies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran. E-mail: afirozabadi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24 May 2022

Received in revised form: 14 September 2022

Accepted: 30 October 2022

Published online: 09 April 2023

Keywords:

Education, Neoliberalism,

Non-governmental schools,

Privatization, School choice

ABSTRACT

After the Second World War, as globalization forces increased, the majority of nations attempted to reform their educational systems. With the decline of Keynesian policies at the beginning of the 1970s and the dominance of neoliberal policies at the beginning of the 1980s, however, education, like other social sectors, undergoes profound changes and transformations. In this study, we examined the neoliberal transformations of Iran's public education following the revolution.

The subject of this study was investigated using documentary techniques and in-depth interviews. When documents alone were insufficient to answer the research questions, in-depth interviews with informants and subject matter experts were conducted.

The findings indicate that various authorities have authorized a number of authorizations and laws to support neoliberal policies. The government's role in funding education has diminished over the past few decades, with the proportion of education expenses in the government's overall expenditures decreasing to 10% in 2018 from 19% in 2018. In addition, the number of non-governmental schools has multiplied 64 times in the last three decades due to the implementation of structural adjustment policies and the passage of the non-profit schools law. Additionally, the presence of numerous schools (up to twenty categories of schools) indicates the implementation of school choice policy. The increasing prevalence of special schools — Shahed schools, board of trustees schools, top students schools, and intelligents schools — has also led to the emergence of a form of privatization that we refer to as “endogenous privatization.”

Results indicate that developments inspired by neoliberalism have led to the marketization and privatization of education over the past few decades, resulting in educational inequality, commodification of education, and a decline in education quality.

Cite this article: Darkesh, M., & Firozabadi, S. A. (2023). A critical study of neoliberal transformations in post-revolutionary Iran's public education. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12 (1),1-23. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.343647.1313>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

. DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.343647.1313>



مطالعه انتقادی تحولات نئولیبرالی آموزش عمومی در ایران پس از انقلاب

محمد دارکش^۱ | سیداحمد فیروزآبادی^۲۱. نویسنده مسئول، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.darkesh@ut.ac.ir۲. گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: afrouzabadi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	از جنگ جهانی دوم، با افزایش نیروهای جهانی سازی، بیشتر کشورهای جهان سعی در بهسازی نظام آموزشی خود داشتند، اما با افول تدریجی سیاست‌های کینزی در ابتدای دهه ۱۹۷۰ و با مسلط شدن سیاست‌های نئولیبرال، از ابتدای دهه ۱۹۸۰ آموزش و پرورش نیز مانند سایر حوزه‌های اجتماعی دستخوش تغییر و تحولات وسیعی شد. در پژوهش حاضر به مطالعه تحولات نئولیبرالی آموزش عمومی در ایران پس از انقلاب می‌پردازیم.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۵	روش پژوهش اسنادی و مصاحبه عمیق است. روش نمونه‌گیری در بخش اسنادی قضاوتی و هدفمند است و هر جا اسناد به‌تنهایی پاسخگوی سؤالات تحقیق نبوده، با مطلعان و متخصصان مصاحبه عمیق انجام گرفته است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۲۳	یافته‌ها نشان می‌دهد مصوبات و قوانین متعددی در راستای حمایت از سیاست‌های نئولیبرالی توسط مراجع گوناگون تصویب شده است. نقش دولت در تأمین هزینه‌های آموزش در چند دهه اخیر کاهش یافته است؛ به طوری که سهم آموزش از هزینه‌های عمومی دولت از ۱۹ درصد در سال ۱۳۷۰، به ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. همچنین تعداد مدارس غیردولتی با اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی در سه دهه اخیر ۶۴ برابر شده است. وجود مدارس متعدد (بالغ بر بیست نوع مدرسه) نیز نشان‌دهنده اجرای سیاست انتخاب مدرسه است. روند روبه‌رشد مدارس خاص-مدارس شاهد، مدارس هیئت‌امنائی، مدارس نمونه و مدارس تیزهوشان- نیز سبب ایجاد نوعی از خصوصی‌سازی شد که آن را «خصوصی‌سازی درون‌زاد» نامیدیم.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۸	مطابق نتایج، تحولات ملهم از نئولیبرالیسم سبب بازاری و خصوصی‌شدن آموزش در چند دهه اخیر شده که پیامدهایی مانند نابرابری آموزشی، کالایی‌سازی آموزش و افت کیفیت تحصیل دارد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱/۲۰	
کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، انتخاب مدرسه، بازاری‌سازی، خصوصی‌سازی، مدارس غیردولتی، نئولیبرالیسم	

استناد: دارکش، محمد و فیروزآبادی، سید احمد. (۱۴۰۲). مطالعه انتقادی تحولات نئولیبرالی آموزش عمومی در ایران پس از انقلاب. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۱)، ۱-۲۳. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.343647.1313>DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.343647.1313>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

پس از جنگ جهانی دوم، با افزایش نیروهای جهانی سازی، بیشتر کشورهای جهان سعی در بهسازی نظام آموزشی خود داشتند. در ایالات متحده و جاهای دیگر، اغلب خوش‌بینی در مورد مدرنیزاسیون و توسعه به‌طور کلی و در مورد نقش مدارس به‌طور خاص وجود داشت. اعتقاد بر این بود که آموزش و پرورش کمک بزرگی به پیشرفت سریع در همه‌جا خواهد کرد، کشورهای درگیر در جنگ می‌توانند وضعیت خود را بهبود ببخشند و ملت‌های تازه استقلال یافته می‌توانند بدون نیاز به تکرار تحول طولانی و آهسته جهان صنعتی، پیشرفت کنند. در نتیجه مقدمه و لازمه پیشرفت و توسعه، بازاندیشی در نظام‌های آموزشی و تطابق دادن نظام آموزشی با شرایط اقتصاد جهانی است که به سرعت در حال جهانی شدن بود.

با تسلط سیاست‌های کینزی در دوران پس از جنگ جهانی دوم، آموزش و پرورش در سطح جهانی عمدتاً دولتی بود و خدمات آموزشی توسط دولت‌ها ارائه می‌شد، اما با افول تدریجی سیاست‌های کینزی در ابتدای دهه ۱۹۷۰ و با مسلط شدن سیاست‌های نئولیبرال، از ابتدای دهه ۱۹۸۰ آموزش و پرورش نیز مانند سایر حوزه‌های اجتماعی دستخوش تغییر و تحولات وسیعی شد. مبارزه موفقیت‌آمیز راست برای تشکیل یک اتحاد گسترده به چیزی منجر شد که اپل^۱ (۲۰۰۰: ۵۰) از آن به‌عنوان «احیای محافظه‌کار» یاد می‌کند. این چرخش به راست، که ترکیبی از ایدئولوژی‌های نئولیبرال و نئومحافظه‌کار بود، رضایت سیاسی را به دست آورد و هر نوع سیاست آموزشی و اجتماعی را دگرگون کرد.

در ایران، از تأسیس مدرسه رشده تا تصویب قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۶ ش، مدرسه مانند مکتب پدیده‌ای مردم‌نهاد بود و در برنامه‌ریزی و اجرا و تعیین محتوا، مستقل از دولت عمل می‌کرد. اگرچه مدرسه از حمایت برخی دولتمردان برخوردار بود و گاهی هم مورد بغض برخی دیگر از آن‌ها قرار می‌گرفت، قانونی در این موضوع برای مداخله یا انجام وظیفه دولت وجود نداشت و دولتمردان از اقتدار خود در جایگاه قانونی برای مداخله یا کارشکنی استفاده می‌کردند (درانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). قانون اساسی مشروطه، دولت را مکلف به اداره امور مدارس و آموزش و گسترش آن‌ها کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۴۰۹). پهلوی اول باهدف ایجاد قدرت مطلقه دولت و پادشاه، مدرسه را به‌عنوان ابزاری به خدمت گرفت (فوران، ۱۳۸۶: ۳۳۰-۳۵۰؛ بهمن بیگی، ۱۳۸۹: ۹-۱۴)؛ بنابراین لازم بود آموزش، همگانی و رایگان شود؛ تحقق این هدف با قانون ۱۳۰۶ آغاز شد که بر مبنای آن «شورای معارف» موظف شد تا در مراکز استان‌ها شعبه‌هایی دایر کند و مدارس را گسترش دهد (محمدی و قایینی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۷۵).

بعد از کودتای سال ۱۳۳۲، اولین مدارس خصوصی ایران تأسیس شدند؛ در سال ۱۳۳۵، اولین قانون تأسیس مدارس خصوصی در ایران تصویب شد و تأسیس مدارس خصوصی با شتاب تندی رشد کرد؛ تا جایی که در مدتی کوتاه، یعنی تا سال ۱۳۴۱، حدود ده درصد دانش‌آموزان در این نوع مدارس مشغول به تحصیل شدند. حدود ۵/۵ تا شش درصد دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و حدود سیزده تا چهارده درصد دانش‌آموزان مقطع دبیرستان، در مدارس خصوصی تحصیل می‌کردند. این وضعیت تا سال ۱۳۵۳ ادامه یافت. در این سال قانونی تصویب شد و همه مدارس خصوصی را دولتی اعلام کرد (قاجارگر، ۱۳۸۰). به‌علت تمرکزگرایی دولت و همچنین افزایش ناگهانی درآمد نفت، مدارس خصوصی منحل شدند و دوباره آموزش همگانی، دولتی شد.

بعد از انقلاب نیز علی‌رغم اختلاف نظر^۲ بر سر اصل سیاسی‌ام قانون اساسی که مبنی بر آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه بود، این قانون تصویب شد و جز مدارس اسلامی که خصوصی بودند، آموزش دولتی و رایگان شد، اما آموزش و پرورش، جزو اولین نهادهایی

1. Michael W. Apple

۲. برای مطالعه بیشتر در این باره، ر.ک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۸۷-۷۸۸.

بود که اختلاف نظر در نحوه اداره آن از همان اوایل دهه ۱۳۶۰ آشکار شد. تا اینکه در سال ۱۳۶۷ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی تصویب شد. با تصویب این قانون، فضا برای حضور بخش خصوصی در آموزش و پرورش که بعد از انقلاب به جز مدارس ملی، بخش خصوصی در آن وجود نداشت، مهیا شد.

بعد از پایان جنگ و با به کارگیری سیاست‌های تعدیل ساختاری، دکترین نئولیبرالیسم بر حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چیرگی یافت. از آنجا که تسلط نئولیبرالیسم بر آموزش و پرورش اثراتی مانند کالایی‌سازی و خصوصی‌سازی آموزش، بی‌عدالتی آموزشی و محرومیت از دسترسی به آموزش باکیفیت و عادلانه را به دنبال دارد (برای مطالعه بیشتر، به هیل و کومار، ۲۰۰۹ مراجعه کنید)، اهمیت بررسی این موضوع بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. با توجه به توضیحات ارائه‌شده، پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا رویکرد نئولیبرالی بر آموزش و پرورش در دوران پس از انقلاب تسلط یافته است و همچنین سرشت نشان‌های تحولات نئولیبرالی در آموزش عمومی را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۲. چارچوب مفهومی

در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ مجموعه‌ای از تدابیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جدید جسورانه‌ای به جوامع سراسر جهان معرفی شد. این تدابیر که به‌عنوان یک پروژه جمعی توسط اکثر کشورهای جهان به‌عنوان نئولیبرالیسم شناخته شد، به دنبال احیا و گسترش برخی از بینش‌ها و شیوه‌های لیبرالیسم قرن هجدهم و نوزدهم و اعمال آن‌ها در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن ۲۱ بود. مانند انقلاب‌های سوسیالیستی و کینزی که بسیاری از جوامع را در نیمه اول قرن بیستم تغییر دادند، این «انقلاب نئولیبرال» به دنبال پیکربندی مجدد روابط بین جامعه، اقتصاد و دولت بود. مهم‌تر از آن شاید این بود که به دنبال بازتعریف رابطه بین فرد و جامعه بود. همان‌طور که مارگارت تاچر هدف اخلاقی اصلی این پروژه لیبرال جدید را توصیف کرد، «اقتصاد روش است [اما] هدف تغییر روح است» (وارد، ۲۰۱۲: ۱۶).

یکی از تحولات اصلی نئولیبرالیسم، تغییر و بازنگری چشمگیر، کوچک‌تر کردن و دگرگونی نهادها، حرفه‌ها و شیوه‌هایی بود که معمولاً به‌عنوان بخش عمومی یا مالکیت عمومی از آن‌ها یاد می‌شد. از دیدگاه نئولیبرال‌ها، حوزه عمومی و نهادهای عمومی، مانند مسکن عمومی، بهداشت، رفاه، حمل‌ونقل یا موضوعی که این پژوهش به آن می‌پردازد، یعنی آموزش عمومی، وقتی توسط دولت ارائه شوند، «سیاه‌چاله‌هایی هستند که پول در آن‌ها ریخته می‌شود» (اپل، ۱۹۹۸: ۸۱؛ جرارد، ۲۰۱۵).

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سیاستمداران و سیاست‌گذاران نئولیبرال، تغییر نظام آموزش عمومی را در کشورهای مختلف در سرتاسر جهان آغاز کردند. اعتقاد اصلی بر این بود که اگر دولت و سایر بخش‌های بخش دولتی می‌توانستند با به کارگیری تکنیک‌ها و سیاست‌های نئولیبرال، هزینه‌های کمتر، کارآمدتر و بازارمحورتر ایجاد کنند، مؤسسات آموزشی نیز می‌توانند. آموزش به‌دلیل اندازه بازار (برای مثال، هزینه‌های جهانی برای آموزش بیش از یک تریلیون دلار) و اهمیت آموزش در اقتصاد، هدف اصلی پروژه نئولیبرالی است (رز و گیسون، ۲۰۰۷). امروزه می‌توانیم ردپای نئولیبرالیسم را در آموزش عمومی بسیاری از کشورهای جهان مشاهده کنیم: از ژاپن تا چین (موک و لو، ۲۰۰۷)، شیلی تا برزیل و مکزیک (آلکاننارا و همکاران، ۲۰۱۳؛ راموس و فرناندز، ۲۰۰۹)، استرالیا تا نیوزیلند (ولسن و پیترز، ۲۰۰۵)، و کشورهای دیگر از جمله کشورهای آفریقایی (تابولاوا و همکاران، ۲۰۱۳) و خاورمیانه (مختار، ۲۰۱۳؛ آتاسوی، ۲۰۰۹). سیاست‌های نئولیبرالی نظیر کوچک‌سازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی از دهه ۱۹۸۰ سبب کاهش شدید هزینه‌های عمومی در سرتاسر کشورها و کالایی‌سازی آموزش شد (رابرتسون، ۲۰۰۳؛ هیل، ۲۰۰۱؛ هرش و مارتینا، ۲۰۰۳؛ رابرتسون، ۲۰۰۶). ریکوفسکی

(۲۰۰۲) از این فرایند به عنوان «تصاحب سوداگرانه خدمات آموزشی»^۱ یاد می‌کند و اعتقاد دارد در نئولیبرالیسم، خدمات آموزشی به تدریج تجاری، خصوصی و به مرور کالایی می‌شوند. تغییرات آموزشی متأثر از نئولیبرالیسم سبب کاهش خدمات دولتی می‌شود و پیش‌زمینه‌هایی را برای اشکال مختلف «خصوصی‌سازی» و «کالایی‌سازی» ایجاد می‌کند (بال، ۲۰۰۳: ۲۱۶).

خصوصی‌سازی توسط طیف وسیعی از بازیگران، از گروه‌های ذی‌نفع محلی تا سازمان‌های بین‌المللی و بنیادهای خصوصی، توصیه و حمایت می‌شود (اپل و پدرونی، ۲۰۰۵). از دید تمامی این بازیگران مختلف، خصوصی‌سازی به عنوان فرمولی برای توسعه حق انتخاب، بهبود کیفیت، ارتقای کارایی یا افزایش برابری (یا همه این موارد همراه با هم) در نظام آموزشی نگریسته می‌شود. خصوصی‌سازی آموزش ضرورتاً به معنای انتقال «مالکیت» خدمات آموزشی از بخش دولتی به بخش خصوصی نیست. حداقل، این انتقال مالکیت مهم‌ترین شکل رخداد خصوصی‌سازی آموزش در اغلب بخش‌های جهان نیست. خصوصی‌سازی آموزش، فرایندی است که معمولاً بیشتر در سطح ارائه خدمات (با حضور مدارس خصوصی) و تأمین مالی (با پرداخت درصد بیشتری از هزینه‌های آموزشی توسط خانواده‌ها یا دیگر بازیگران خصوصی) رخ می‌دهد تا در سطح مالکیت (لوپینسکی، ۲۰۰۳).

بال و یودل (۲۰۰۸) در کتاب تأثیرگذار خصوصی‌سازی پنهان در آموزش عمومی^۲ به شکلی برجسته بین دو نوع اصلی روندهای خصوصی‌سازی و سیاست‌های مرتبط با خصوصی‌سازی تمایز قائل شده‌اند: الف) خصوصی‌سازی آموزش یا خصوصی‌سازی «برون‌زاد»^۳ که به معنای «اجازه‌دادن به بخش خصوصی برای مشارکت [معمولاً] به صورت انتفاعی در آموزش عمومی و همچنین استفاده از بخش خصوصی برای طراحی، مدیریت یا ارائه ابعادی از آموزش عمومی» است؛ ب) خصوصی‌سازی در آموزش عمومی یا خصوصی‌سازی «درون‌زاد»^۴ که به معنای «وارد کردن ایده‌ها، شیوه‌ها و فعالیت‌ها از بخش خصوصی به منظور افزایش مشابهت بخش دولتی با تجارت و تجاری کردن بخش دولتی» است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر ماهیتاً کیفی است و در آن، از دو روش اسنادی و مصاحبه عمیق استفاده شده است. اسناد مورد استفاده در پژوهش، شامل موارد زیر است: الف) آمار و ارقام رسمی مرتبط با موضوع (در سطح داخلی گزارش‌های مرکز آمار ایران و مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت آموزش و پرورش؛ و در سطح بین‌المللی گزارش‌های سازمان بین‌المللی یونسکو، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و نهادهایی از این دست)؛ ب) قوانین بالادستی؛ ج) قوانین جاری (قوانین آموزش و پرورش، مصوبه‌های ادوار مختلف شورای اسلامی، هیئت‌وزیران، شورای عالی آموزش و پرورش و سایر مراجع قانون‌گذاری و مرتبط با موضوع).

روش نمونه‌گیری در بخش اسنادی به شیوه قضای و هدفمند انجام می‌شود. شایان ذکر است که برای گزینش اسناد، از معیارهای چهارگانه اسکات (۱۹۹۰: ۱۶ به نقل از فلیک، ۱۳۹۲: ۲۷۸) استفاده می‌شود؛ این معیارها به ترتیب عبارت‌اند از: الف) داشتن اصالت، ب) داشتن اعتبار، ج) نمایا بودن و د) معنادار بودن. سعی ما در گزینش اسناد بر این بود که هر سند لزوماً واجد هر چهار شرط فوق باشد. در نهایت فنون عملیاتی مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز قیاس، کدگذاری، دسته‌بندی و بررسی منطقی داده‌ها هستند.

1. the business takeover of education services
2. hidden privatization
3. exogenous privatization
4. endogenous privatization

هرجا اسناد به‌تنهایی پاسخگوی سؤالات تحقیق نبود، با مطلعان و متخصصان در زمینه موضوع پژوهش مصاحبه عمیق انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان به شیوه هدفمند انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری هم با رسیدن به اشباع نظری متوقف شد. برای تحلیل و تفسیر داده‌ها نیز از شیوه تحلیل تماتیک استفاده شد.

جدول ۱. مشخصات مطلعان پژوهش

کد	سابقه فعالیت در آموزش و پرورش	جنسیت	تحصیلات
۱	۲۲ سال	مرد	کارشناسی ارشد
۲	۱۷ سال	مرد	کارشناسی ارشد
۳	۱۹ سال	زن	کارشناسی ارشد
۴	۲۵ سال	مرد	دکتری
۵	۲۳ سال	مرد	کارشناسی ارشد
۶	۱۸ سال	زن	کارشناسی ارشد

۴. یافته‌ها

در این بخش به بررسی تحولات نئولیبرالیسم در آموزش و پرورش ایران پرداخته می‌شود. تحولات نئولیبرالی در آموزش در ایران را می‌توان در چند قسمت مشاهده کرد: کاهش نقش دولت در تأمین هزینه‌های آموزش عمومی، رشد مدارس غیرانتفاعی، تعدد مدارس مختلف (سیاست انتخاب مدرسه) و رشد مدارس خاص. در ادامه به بررسی هریک از این موارد می‌پردازیم. در جدول ۲ قوانین حامی تحولات نئولیبرالی در آموزش و پرورش از اسناد مرتبط با موضوع پژوهش استخراج شده است.

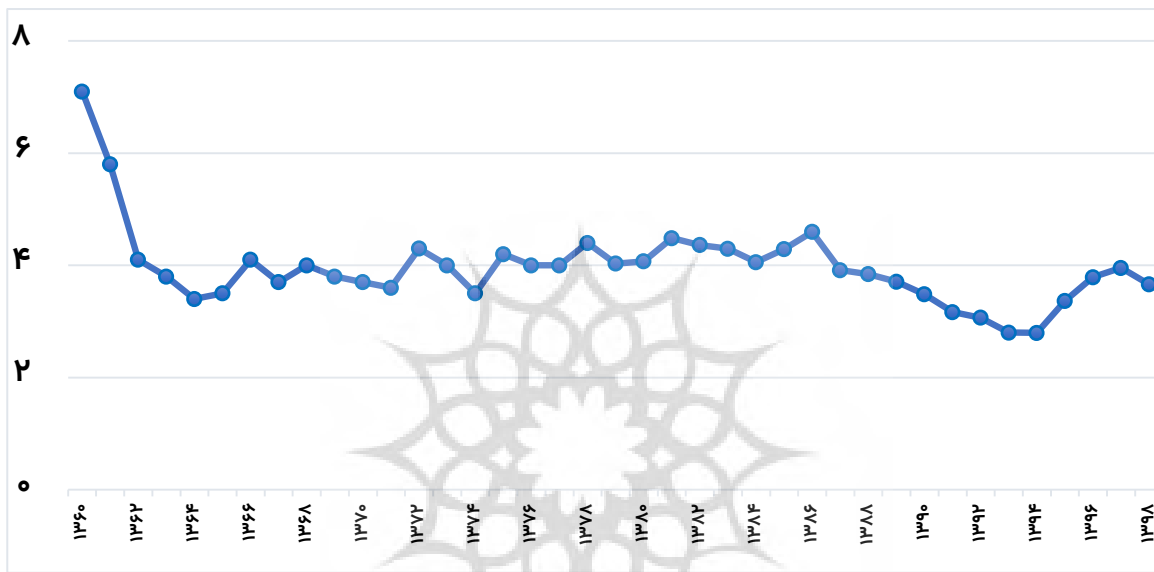
جدول ۲. قوانین حامی نئولیبرالیسم در آموزش و پرورش

مرجع یا محل تصویب	محتوا
مجلس شورای اسلامی	تصویب قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷
مجلس شورای اسلامی	<p>لایحه اصلاح قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی و الحاق موادی به آن (۱۳۸۳):</p> <ul style="list-style-type: none"> «تأسیس سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» «ماده ۱۰ بانک‌های کشور را موظف می‌کند طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا با معرفی وزارت آموزش و پرورش پنجاه درصد (۵۰ درصد) از نیاز مالی مؤسسان مدارس و مراکز پرورشی غیردولتی را -که از کارکنان آموزش و پرورش هستند- جهت تهیه فضای آموزشی و پرورشی و تأمین تجهیزات و امکانات موردنیاز به‌صورت وام قرض‌الحسنه و برای سایر اشخاص از دیگر منابع اعتبارات بانکی تأمین نمایند.» «ماده ۱۱ نیز دولت را موظف می‌کند که همه‌ساله یارانه مربوط به تسهیلات بانکی را برای خرید زمین، ساختمان و تعمیرات مدارس غیردولتی در حدود امکانات خود در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی نماید.» «ماده ۱۲ به وزارت آموزش و پرورش اجازه می‌دهد مطابق قوانین و مقررات، زمین و ساختمان‌های مازاد بر نیاز خود را به‌صورت اجاره یا فروش به مؤسسان مدارس غیردولتی واگذار نماید.» «تأسیس صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی» «ماده ۱۹: «مدارس غیردولتی در برخورداری از تخفیفات، ترجیحات و کلیه معافیت‌های مالیاتی و عوارض در حکم مدارس دولتی هستند.»»
هیئت‌وزیران، جلسه مورخ ۱۳۸۸/۰۵/۲۵	<p>هیئت‌وزیران اساسنامه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی را به شرح زیر تصویب نمود:</p> <p>تصویب این اساسنامه با استناد به تبصره ماده ۱ قانون تأسیس و اداره مدارس، مراکز آموزشی و مراکز پرورشی غیردولتی-مصوب ۱۳۸۷ صورت گرفت. این سازمان به‌منظور توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش، حمایت از سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی و ایجاد زمینه‌های لازم جهت توسعه کمی و ارتقای کیفی مدارس و مراکز، سازمان از انتقال کلیه وظایف، امکانات و اعتبارات معاونت توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت تشکیل می‌شود.</p>
هیئت‌وزیران، جلسه مورخ	<p>هیئت‌وزیران به استناد تبصره ماده ۱۳ قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی-مصوب ۱۳۹۵ اساسنامه صندوق</p>

مرجع یا محل تصویب	محتوا
۱۳۹۶/۰۹/۱۹	حمایت از توسعه مدارس غیردولتی را تصویب کرد.
برنامه اول توسعه؛ بخش بودجه و وضع مالی دولت، ماده ۳، تبصره ۶-۱-۳.	کاهش بار مالی هزینه‌های دولتی از طریق انتقال پاره‌ای از وظایف موجود به بخش غیردولتی
برنامه اول توسعه؛ خط‌مشی‌ها	کاهش سطح پوشش خدمات دولتی آموزش (عمومی، فنی و حرفه‌ای و عالی) از طریق انتقال قسمتی از آن به بخش غیردولتی و استفاده از منابع صرفه‌جویی شده جهت ارتقای کیفیت خدمات ارائه‌شده به دانش‌آموزان و دانشجویان تحت پوشش
برنامه دوم توسعه، بخش سیاست‌های هزینه‌ای ذیل عنوان سیاست‌های جاری در بخش «د»	انتقال قسمتی از فعالیت‌های خدماتی بخش دولتی در زمینه‌های خدمات اجتماعی به بخش غیردولتی و آزادسازی منابع دولت جهت ایجاد امکان بهبود کیفیت خدمات دولتی با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی
برنامه سوم، ماده ۱۴۹	به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده شد که با اجاره اماکن و فضاهای آموزشی در فرصت‌هایی که از آن‌ها استفاده نمی‌کند از طریق انعقاد قرارداد، درآمد کسب کند.
برنامه چهارم توسعه، ماده ۱۳۶	ب) وظایف امور تصدی‌های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی دولت با رعایت اصول ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی با استفاده از شیوه‌های ذیل انجام می‌گردد: < اعمال حمایت‌های لازم برای توسعه بخش غیردولتی مجری این وظایف < خرید خدمات از بخش غیردولتی < مشارکت با بخش غیردولتی از طریق اجاره و واگذاری امکانات و تجهیزات و منابع فیزیکی
برنامه ششم توسعه، بخش ۴ ماده ۲۵	به‌منظور مردمی‌شدن و گسترش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد و به‌منظور افزایش بهره‌وری و ارتقای سطح کیفی خدمات و مدیریت بهینه هزینه به‌تمامی دستگاه‌های اجرایی که عهده‌دار وظایف اجتماعی، فرهنگی و خدماتی هستند، از قبیل واحدهای بهداشتی و درمانی، مراکز بهزیستی و توان‌بخشی، مراکز آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی و مراکز ارائه‌دهنده خدمات و نهادهای کشاورزی و دامپروری اجازه داده می‌شود در چارچوب استانداردهای کیفی خدمات که توسط دستگاه ذی‌ربط تعیین می‌گردد، نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی (به‌جای تولید خدمات) اقدام نمایند. در اجرای این بند، واگذاری مدارس دولتی ممنوع است.
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همهٔ ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعهٔ اسلامی براساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی معرفی کرده است.
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	جلب مشارکت ارکان سهیم و مؤثر و بخش عمومی و غیردولتی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	توسعه مشارکت‌های بخش دولتی و غیردولتی در انجام امور مربوط به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش با تأکید بر سیاست تولید بسته‌های آموزشی و سیاست چندتألیفی در کتاب‌های درسی
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	تقویت و گسترش مدارس غیردولتی با اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات موجود» اشاره دارد. مادهٔ هفتم بخش بیستم هدف‌های عملیاتی و کاربردی بر «تقویت مشارکت عمومی در آموزش و پرورش با حفظ کارکردهای سیاست‌گذاری و نظارتی نظام از طریق تسهیل تأسیس مدارس غیردولتی و حمایت از فعالیت‌های آموزشی آنان
مجلس شورای اسلامی	در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ طرح مدارس غیرانتفاعی از حالت آزمایشی چندساله خارج شده و به قانون تبدیل شده است.
شورای عالی آموزش و پرورش	مجوز فعالیت مدارس هیئت‌امناپی
شورای عالی آموزش و پرورش	آیین‌نامهٔ اجرایی مدارس در جلسهٔ شورای عالی آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۷۹/۵/۲۰: در مادهٔ ۶ این آیین‌نامه به مدیر مدرسه اجازه داده شده است تا از کمک‌های مردمی البته به شکل اختیاری برای ادارهٔ مدرسه استفاده کند.
شورای عالی آموزش و پرورش	مصوبهٔ برنامه‌ریزی نظام تأمین و تخصیص مالی نظام تعلیم و تربیت رسمی: < یکی از چشم‌اندازهای اصلی آموزش و پرورش، افزایش سهم مدارس غیردولتی به حداقل ۲۵ درصد از کل مدارس کشور عنوان شد. < طراحی سازوکار بهینه‌سازی منابع با برون‌سپاری، خرید خدمات آموزشی < تبدیل احسن‌کردن و فروش املاک مازاد و هزینه‌کرد آن در توسعه و تأمین فضا و تجهیزات آموزشی، تربیتی و ورزشی

۴-۱. کاهش نقش دولت در تأمین هزینه‌های آموزشی عمومی

هزینه‌های آموزش و پرورش مهم‌ترین نشانگر توجه دولت‌ها به آموزش و میزان سرمایه‌گذاری در آن است. سهم بودجه آموزش از تولید ناخالص داخلی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای مقایسه اهمیت و ارزش آموزش در کشورهای مختلف است. عقب‌نشینی دولت‌ها در تأمین هزینه‌های آموزشی یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده تسلط رویکرد نئولیبرال در آموزش است.



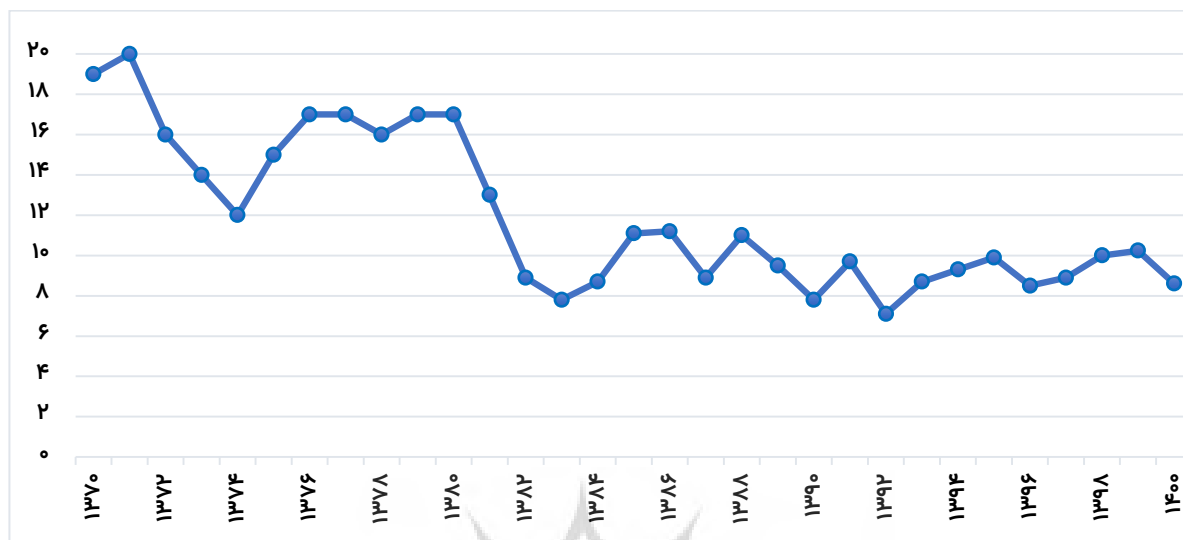
نمودار ۱. سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی

منبع: برگرفته از داده‌های مؤسسه آمار یونسکو (۲۰۲۱)، تاریخ بازیابی ۲۰۲۲/۰۴/۲۲

تغییرات نسبت سهم بودجه آموزش کشور از تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد طی چند دهه اخیر، متوسط سهم بودجه آموزش کشور از تولید ناخالص ۳/۵ درصد بوده است؛ درحالی‌که این نسبت برای متوسط جهانی ۵ درصد، برای کشورهای عضو شورای همکاری و توسعه اقتصادی ۵/۲ درصد و برای کشورهای با متوسط درآمدی بالا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ترتیب ۵/۲ و ۵/۱ درصد است. همچنین این نسبت برای کشورهای ترکیه، افغانستان و پاکستان که در همسایگی ایران قرار دارند به ترتیب ۴/۳، ۳/۹ و ۲/۸ درصد است و در منطقه خاورمیانه نیز بیشترین درصد متعلق به کشور عمان با ۶/۷ درصد است (بانک جهانی، داده‌های آماری، تاریخ بازیابی ۲۰۲۲/۰۴/۲۲).

۴-۲. سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت

کم‌بودن سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت، فرصتی برای مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش فراهم می‌کند و همین‌طور موجب واگذاری هزینه‌های آموزش به دوش مردم شود.



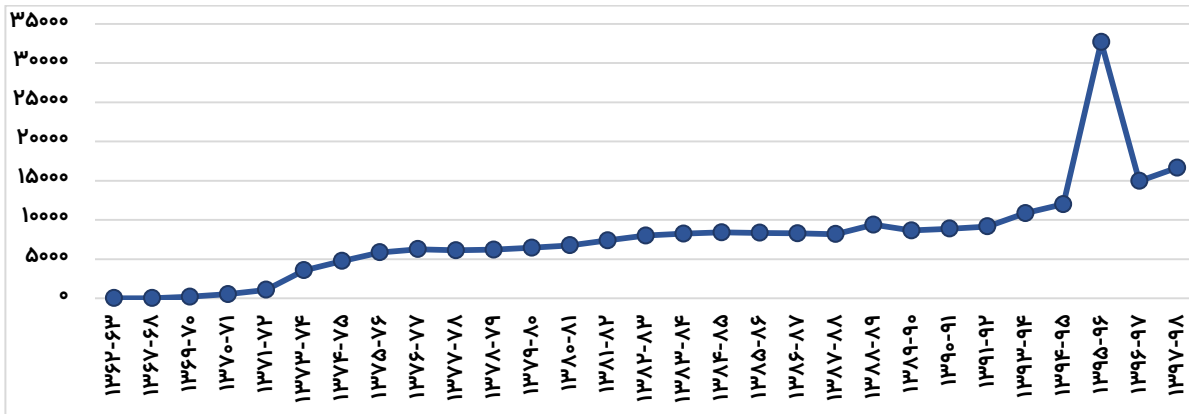
نمودار ۲. نسبت بودجه آموزش و پرورش به بودجه عمومی دولت

منبع: محاسبات محقق براساس قوانین بودجه کشور از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰

همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص است، در تغییرات نسبت بودجه به‌طورکلی، همسو با کاهش سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی، سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت در طول سه دهه اخیر نیز کاهش پیدا کرده است. این مقدار تقریباً به نصف و در برخی سال‌ها به کمتر از نصف رسیده است. این شاخص در طول یک دهه اخیر کمتر از ۱۰ درصد بوده است و در مقایسه با میانگین جهانی در ده سال اخیر که بالای ۱۴ درصد بوده است، رقم کمی است (یونسکو، مؤسسه آمار، تاریخ‌بازیابی ۲۰۲۲/۰۴/۲۲).

۳-۴. روند رشد مدارس غیردولتی

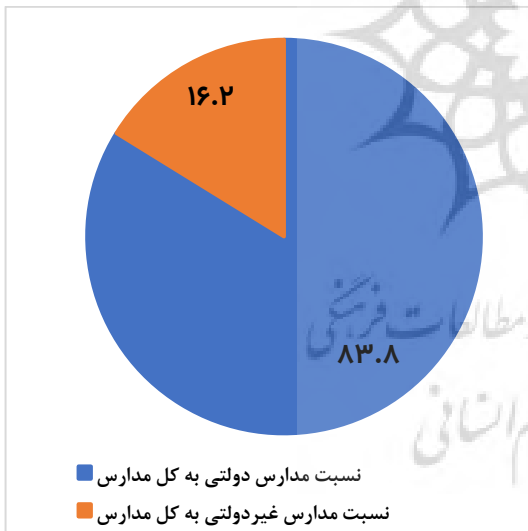
در نمودارهای ۳ تا ۵ شاهد سیر تغییرات روبه‌رشد مدارس غیردولتی هستیم. تعداد مدارس غیردولتی در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب و تا قبل از تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی صفر بود، اما به‌تدریج بعد از تصویب این قانون شاهد روند روبه‌رشد تعداد مدارس غیردولتی هستیم. نسبت مدارس غیردولتی به کل مدارس، از ۰/۲۵ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۱۶/۲ در سال ۱۳۹۸ رسید؛ یعنی تعداد مدارس غیردولتی در این سال‌ها به‌طور تقریبی ۶۴ برابر شد.



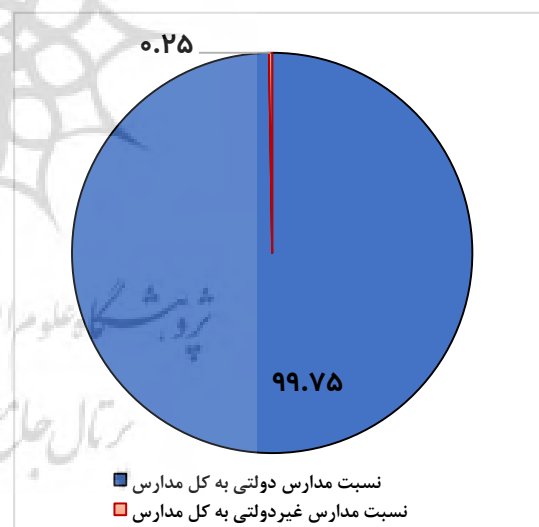
نمودار ۳. روند رشد مدارس غیردولتی

منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۸

برای بهتر نشان دادن تغییرات مدارس غیردولتی در طول سه دهه اخیر، تغییرات به صورت مقایسه‌ای از اولین سال رشد مدارس غیردولتی و آخرین آمار در دسترس که مربوط به سال ۱۳۹۸ است، در نمودارهای ۴ و ۵ نشان داده شده است.



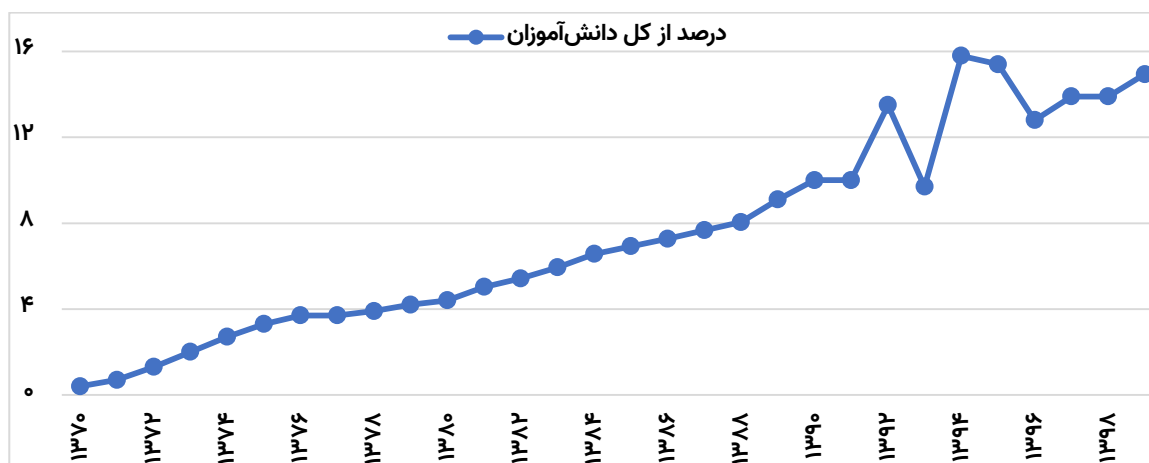
نمودار ۵. نسبت مدارس دولتی و غیردولتی سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷



نمودار ۴. نسبت مدارس دولتی و غیردولتی سال تحصیلی ۱۳۷۰-۱۳۶۹

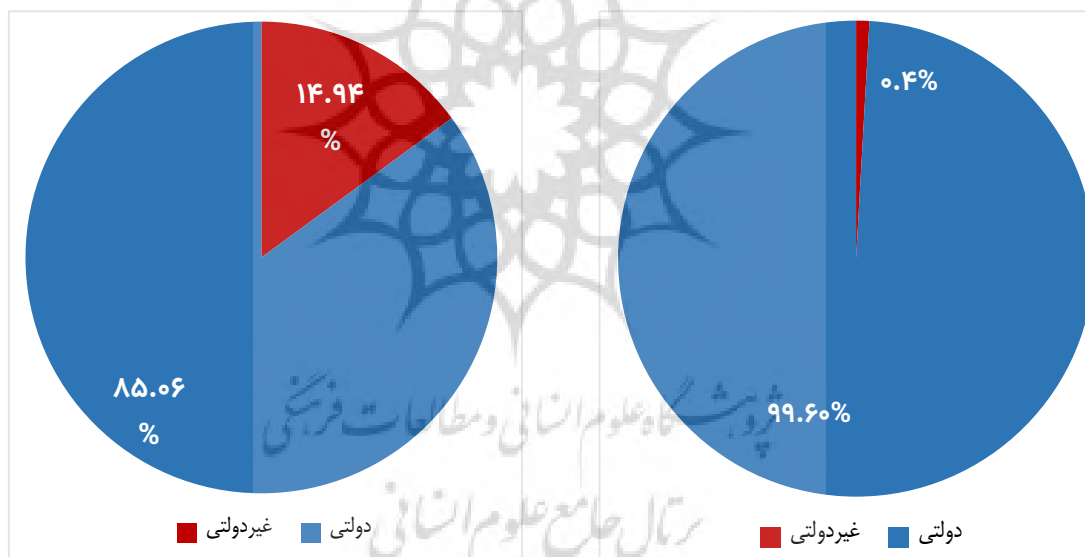
منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۸

همچنین نمودار ۶ نشان می‌دهد جمعیت مدارس غیردولتی در طول سه دهه (به جز معدود سال‌ها)، پیوسته رشد مثبتی داشته، چنان‌که نسبت جمعیت مدارس غیردولتی به کل جمعیت در این سه دهه از ۰/۴ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است.



نمودار ۶. روند تغییرات نسبت دانش‌آموزان مدارس غیردولتی از کل دانش‌آموزان

منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۹



نمودار ۸. روند تغییرات نسبت دانش‌آموزان مدارس غیردولتی از کل دانش‌آموزان سال ۱۳۹۹

نمودار ۷. نسبت دانش‌آموزان مدارس غیردولتی از کل دانش‌آموزان سال ۱۳۷۰

منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹

اما نکته اصلی که در اینجا باید به آن توجه داشت، تعریف محدود و ناقص از خصوصی بودن است. اگر خصوصی بودن به این معنی باشد که مالکیت آن‌ها در دست دولت نباشد و اصطلاحاً غیردولتی باشند، خصوصی محسوب می‌شوند؛ در آن صورت مدرسی که مالکیت آن‌ها دولتی است، ولی تأمین مالی آن‌ها از طریق شهریه‌های دریافتی از والدین صورت می‌گیرد، از شمول خصوصی بودن خارج می‌شوند. همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد و در اینجا باید دوباره بر آن تأکید کنیم، این تعبیر از خصوصی بودن مدارس

نمی‌تواند تمام جوانب موضوع در ایران را بررسی کند. خصوصی‌سازی فقط به معنای انتقال مالکیت ساختمان و لوازم مدرسه به بخش خصوصی نیست. به همین دلیل برای بررسی دقیق‌تر موضوع، ابعاد دیگری را نیز باید در نظر گرفت. اما پیش از ورود به بحث باید به مسئله دیگری که خود بر خصوصی‌سازی آموزش تأثیر مهمی دارد یعنی «انتخاب مدرسه»^۱ بپردازیم.

۴-۴. تنوع مدارس: گامی به سوی سیاست انتخاب مدرسه

انتخاب مدرسه یکی از ایده‌های اصلی نئولیبرالیسم در آموزش است. فریدمن در مقاله «نقش دولت در آموزش» این ایده را مطرح کرد. از نظر فریدمن، شرکت‌های خصوصی رقابتی احتمالاً در برآوردن خواسته‌های مصرف‌کننده بسیار کارآمدتر از شرکت‌های ملی شده یا شرکت‌هایی هستند که برای خدمت به اهداف دیگر فعالیت می‌کنند. از این رو او طرفدار رقابت و انتخاب مدرسه است. فریدمن اعتقاد دارد تأمین مالی مدارس دولتی در مقابل مدارس غیردولتی سبب ایجاد رقابت ناعادلانه‌ای می‌شود (فریدمن، ۱۹۹۵). فریدمن ایده انتخاب مدرسه را در قالب «کوپن آموزشی» مطرح می‌کند. بدین ترتیب والدین حق انتخاب مدرسه خود را دارند. شیوه‌های اصلی سیاست انتخاب مدرسه «کوپن‌های آموزشی» و «مدارس چارتر» هستند.

نقش والدین در مفهوم نئولیبرالی آموزش عمومی، نقش مصرف‌کنندگان است که مدرسه بهینه را برای فرزندان خود در میان مجموعه محدودی از مدارس انتخاب می‌کنند. نئولیبرالیسم چنین مصرف‌گرایی فردی را جایگزین مشارکت جمعی والدین در سیاست‌هایی که نفع همگانی دارد، کرده است. این تمرکز و انتخاب فردی، این امر را که آموزش کالایی عمومی و رایگان است تضعیف می‌کند (کوچیارا، ۲۰۱۳). منتقدان انتخاب مدرسه استدلال می‌کنند که این شیوه، سیستمی دولایه ایجاد می‌کند که در آن، کودکان خانواده‌های محروم از تحصیل بازمی‌مانند و به دلیل موقعیت جغرافیایی و موقعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌ترشان، به مدارس ضعیف‌تر غل‌وزنجیر می‌شوند (کارنی، ۲۰۰۹).

در جامعه ما، طی سه دهه اخیر، تکوین و تأسیس گونه‌های متعدد مدارس، با چنان سرعتی رخ داده که هنوز مجال کافی برای تأمل در مبانی، اهداف، الزامات، تفاوت‌ها و پیامدهای اجتماعی و آموزشی انواع مدارس برای بازیگران این عرصه فراهم نشده است. هفت مرجع تصمیم‌گیری بالغ بر بیست گونه در چارچوب نظام آموزش و پرورش کشور پدید آوردند (مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش کارشناسی گونه‌شناسی مدارس، ۱۳۹۵). تعدد مدارس پیامدهای مختلفی داشته که با رجوع به مطلعان پژوهش، به این پیامدها اشاره شده است.

بازاری‌سازی آموزش: تشتت مراجع و نهادهای تصمیم‌گیرنده در ایجاد گونه‌های مختلف مدارس، عملاً بازاری در آموزش ایجاد کرده است که هرکسی به دنبال کالای مختص خود در آن می‌گردد. والدینی که بسیار متمول هستند به سراغ مدارس غیردولتی می‌روند. والدین متمول‌تر با دنبال مدارس باکیفیت‌تر (نظیر تیزهوشان، نمونه دولتی، هیئت‌امنائی و شاهد) هستند که البته این مدارس نیز شهریه‌ای هستند. صحبت‌های مطلعان پژوهش دلالت بر این موضوع دارد:

«مدارس دولتی به‌عمد ضعیف نگه داشته می‌شوند. امکاناتی بهش نمی‌دن، کلاس‌ها شلوغ و مدارس پرجمعیت نگه داشته می‌شوند و با ایجاد نگرانی در خانواده‌ها و آینده‌فرزندان‌شون، اونا رو سوق می‌دن به سمت مدارس پولی. حالا یا مدارس خاص یا مدارس غیردولتی.»^۱

«در مدارس خاص، خیلی از دانش‌آموزان نمی‌تونن ثبت‌نام کنن؛ چون از پس شهریه‌اش برنمی‌آن. مدارس دولتی عادی ضعیفان. عموماً ۶۰ الی ۷۰ درصد بچه‌های مدارس دولتی عادی که من بودم، نمی‌تونن توی امتحانات نهایی موفق باشن. اما مدارس نمونه و هیئت‌امنایی که من بودم نه، این‌طوری نبود. معمولاً هر سال قبولی‌هامون زیاد بودن. حتی اون مدرسه پولی منطقه که سطحش بالاتره و پول می‌گیره و با آزمون دانش‌آموز جذب می‌کنه، عموماً قبولی‌هاش بالاست.»^۴

تبعیض و جداسازی: بدین ترتیب وجود مدارس متعدد، سبب ایجاد فضایی برای انتخاب مدرسه توسط والدین می‌شود. انتخابی که وابسته به مسائل مختلفی است و نوعی تبعیض و جداسازی در مدارس ایجاد کرده است. دانش‌آموزان مدارس دولتی اغلب از فرودستان جامعه هستند که توان پرداخت هزینه مدارس غیردولتی و مدارس خاص را ندارند. صحبت‌های مطلعان بیان‌کننده این موضوع است:

«خود آموزش و پرورش منابع مالی رو سوق داد به این مدارس خاص. عملاً دستشون رو باز گذاشتن برای دریافت شهریه. اینا خودشون رو از مدارس دولتی جدا کردن. خانواده‌هایی که دستشون به دهنشون می‌رسه، بچه‌هاشون رو می‌برن بیرون از مدارس دولتی. با توجه به محرومیت‌های مدارس دولتی، اینا بچه‌هاشون رو می‌برن مدارس خاص و غیردولتی.»^۴

«در مقطع متوسطه، دهک‌های متوسط به پایین معمولاً در این مدارس دولتی عادی حضور دارن. عموماً مدارس دولتی، لایه‌های متوسط به پایین رو دربرمی‌گیره. ساختار مدارس خاص براساس دریافت پوله. ساختار ترکیب جمعیتی توی این مدارس متوسط به بالاست و دهک متوسط به بالا تو این مدارس هستن.»^۱

کالایی‌سازی آموزش: نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که در نظام آموزشی ما، تقریباً در همه مدارس دولتی عادی، مبلغی از دانش‌آموزان تحت عنوان «کمک به مدرسه» دریافت می‌کنند. در مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در بخش آیین‌نامه اجرایی مدارس، یکی از وجوه تأمین مالی مدارس، کمک‌های مردمی اعلام شده است (مصوب چهل‌ویکمین جلسه کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش، تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۰) که البته این روزها جنبه اجباری دارد؛ به‌طوری‌که عملاً مدرسه رایگان وجود ندارد. صحبت‌های مطلعان دلالت بر این موضوع دارد:

«سرانه دانش‌آموزی اصلاً پرداخت نمی‌شه و مدیر مجبوره از دانش‌آموز پول بگیره. قبل از کرونا، سرانه‌ای که می‌دادن برای هر دانش‌آموز، ۲۲۷۰ تومن بود. خوب شما حساب کنین هزینه هر دانش‌آموز این‌قدر می‌شه واقعاً؟ مدرسه‌ای که آب و گاز و... داره. مدرسه‌ای که ۳۰۰ دانش‌آموز داشته، یک میلیون و ۳۵۰ تومن واریز کردن. حتی به‌اندازه پول قسط آب و برق و گاز نمی‌شه. مدرسه‌ای توی کرج بوده که پول گاز اومده ۴ میلیون! این پول رو مدیر از کجا باید بده غیر از اینکه از دانش‌آموز بگیره؟ حتی هزینه چاپ و تکثیر رو همون اول می‌گیرن که جدا از کمک به مدرسه‌ست.»^۳

«ما کلاً دیگه آموزش رایگان نداریم. من چند سال منطقه محروم درس می‌دادم. حدود ده سال پیش که اونجا درس می‌دادم، مدیر مدرسه می‌گفت ما پول برگه و آب و برق نداریم. مجبوریم. اخطار اداره برق می‌آد که می‌خوایم قطعش کنیم. خوب ما از بچه می‌خوایم پول بیارن؛ مثلاً وسایل گرمایشی خراب می‌شه و خانواده‌ها تحت فشار قرار می‌گیرن و پول می‌دن به مدرسه.»^۱

افت کیفیت آموزش: همچنین باید به این موضوع توجه کرد که بعد مالکیت به‌تنهایی برای بررسی خصوصی یا دولتی بودن مدرسه کفایت نمی‌کند (در بخش ادبیات نظری به این موضوع پرداخته شد). برای اینکه بتوانیم درک بهتر و عمیق‌تری از وضعیت بازاری و خصوصی‌شدن آموزش در ایران داشته باشیم، باید به بعد مهم دیگر یعنی تأمین مالی مدارس توجه کنیم. در بخش بعدی به بررسی مدرسه‌ای پرداخته خواهد شد که علی‌رغم مالکیت دولتی، از دانش‌آموزان شهریه دریافت می‌کنند. این مدارس در آموزش و پرورش به‌عنوان مدارس خاص شناخته می‌شوند. این مدارس علاوه بر داشتن امکانات بیشتر، معلمان مجرب‌تر را نیز جذب می‌کنند و یکی از عوامل اصلی افت کیفی مدارس دولتی هستند. در صحبت‌های مطلعان هم به این موضوع اشاره شده است:

«از زمانی که این مدارس (خاص) اومده، ما افت کیفی مدارس دولتی رو شاهد بودیم. این مدارس، دانش‌آموزان بهتر رو جذب می‌کنن و مدارس رو خالی می‌کنن از این دانش‌آموزان. حتی شده مدیران این مدارس می‌آن و به معلم‌های باکیفیت‌تر می‌گن ببیین مدرسه ما و ما یه مبلغی رو اضافه بهتون می‌دیم.»^۵

«مدارس خاص عموماً معلم‌هایی که باکیفیت‌تر هستن، جذب می‌کنن؛ یعنی مدارس دولتی دوسویه ضررکردن، هم به‌لحاظ کادر و هم به‌لحاظ منابع و تجهیزات و فضای آموزشی. تأثیر این مدارس خاص بسیار محسوسه. با خالی‌کردن مدارس دولتی از دانش‌آموزان نخبه قطعاً تأثیر گذاشتن. با بهتر بودن امکانات آموزشی یا حتی امکانات رفاهی مثل کولر توی این مدارس خاص، اولیایی که توانایی مالی داشته باشن بچه‌شون رو می‌برن مدارس خاص.»^۴

۴-۵. مدارس خاص و خصوصی‌سازی پنهان

با توجه به تقسیم‌بندی آموزش و پرورش، مدارس شاهد، مدارس هیئت‌امنائی، مدارس نمونه و مدارس تیزهوشان، مدارس خاص محسوب می‌شوند. در ادامه به بررسی این مدارس خواهیم پرداخت.

مدارس شاهد

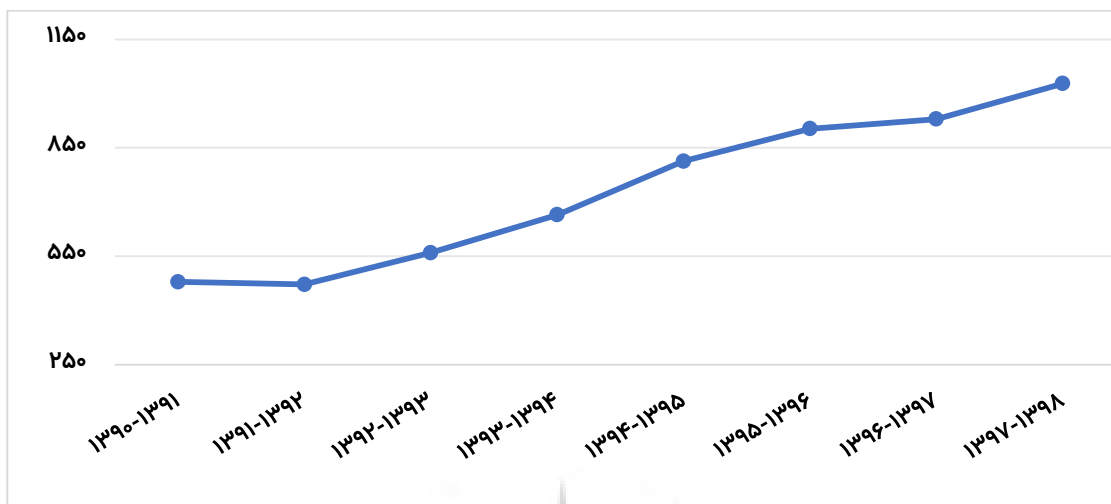
براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اداره کل شاهد وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹، تأسیس و مسئولیت برنامه‌ریزی و رسیدگی به امور آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان شاهد را در راستای تکمیل برنامه‌های مصوب آموزش و پرورش در چارچوب دستورالعمل‌های مصوب ستاد مرکزی شاهد وزارت آموزش و پرورش عهده‌دار شد (مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه طرح شاهد).

جدول ۳. شهریه تقریبی مدارس شاهد (سال ۱۴۰۰)

مقطع	دانش‌آموزان غیرشاهد	دانش‌آموزان شاهد
مدارس شاهد دوره ابتدایی	بین ۵۲۰ تا ۱ میلیون تومان	۵۰۰ هزار تومان
مدارس شاهد دوره اول متوسطه	بین ۶۱۰ هزار تومان تا ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان	حدوداً ۵۷۰ هزار تومان
مدارس شاهد دوره دوم متوسطه	بین ۷۴۰ هزار تومان تا ۱ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان	حدوداً ۷۲۰ هزار تومان

منبع: مصاحبه‌شوندگان پژوهش

نمودار ۹ روند تغییرات دانش‌آموزان مدارس شاهد را تقریباً در دهه اخیر نشان می‌دهد.



نمودار ۹. روند تغییرات دانش‌آموزان مدارس شاهد (برحسب هزار)

منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش

با توجه به نمودار ۹، مدارس شاهد در دهه اخیر روند روبه‌رشدی داشته‌اند؛ روندی که با توجه به کیفیت و وضعیت مدارس دولتی احتمالاً افزایش خواهد یافت.

مدارس هیئت‌امنایی

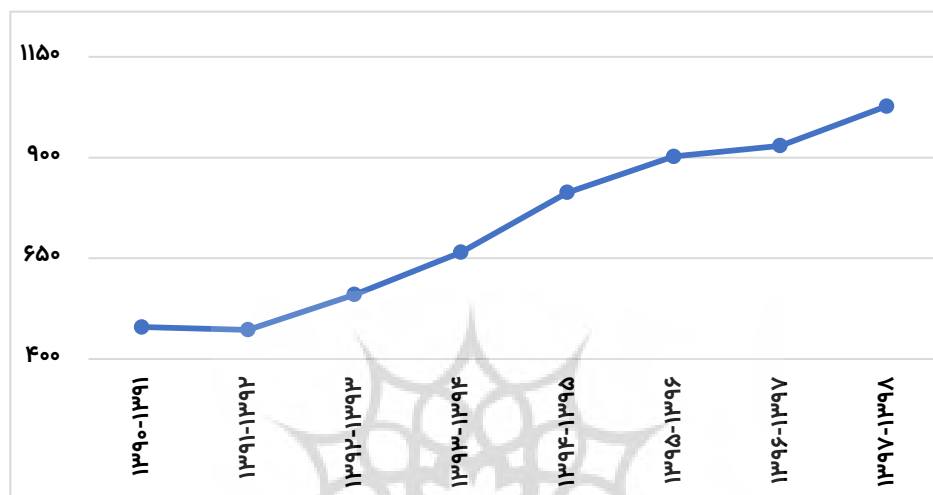
در آیین‌نامه این مدارس آمده است: «شورای عالی آموزش و پرورش در راستای کمک به اجرای ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۱۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها و شهرستان‌ها و سیاست مدرسه‌محوری و به‌منظور ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی تربیتی مدارس، جلب و توسعه مشارکت‌های مردمی و خیرین در احداث و اداره امور مدارس، تقویت نظام مدیریتی، مالی و اجرایی مدارس مبتنی بر گسترش عدالت آموزشی و پیمان‌سپاری مدیریت مدارس، آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیئت‌امنایی در مدارس را تصویب کرده است.» واژه‌هایی مانند مشارکت مردمی و پیمان‌سپاری مدیریت مدارس، ترجمان اجرای طرح‌هایی هستند که نمونه‌های آن‌ها در جاهای دیگری نظیر ایالات متحده و انگلستان اجرا و به خصوصی‌سازی هرچه بیشتر آموزش منجر شدند.

جدول ۴. شهریه تقریبی مدارس هیئت‌امنایی (سال ۱۴۰۰)

میزان شهریه تقریبی دریافتی	مقطع تحصیلی
بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان	شهریه مدارس هیئت‌امنایی ۱۴۰۰ برای مقطع ابتدایی
بین ۴۰۰ تا ۱ میلیون و ۲۰۰	شهریه مدارس هیئت‌امنایی ۱۴۰۰ برای مقطع متوسطه اول
بین ۵۰۰ تا ۲ میلیون	شهریه مدارس هیئت‌امنایی ۱۴۰۰ برای مقطع متوسطه دوم

منبع: مصاحبه‌شوندگان پژوهش

در نمودار ۱۰ مشخص است که از ابتدای تأسیس این مدارس در سال ۱۳۹۰ همواره تعداد آن‌ها روبه‌افزایش بوده است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۰، تقریباً ۴ درصد از کل دانش‌آموزان در مدارس هیئت‌امنی مشغول به تحصیل بودند؛ درحالی‌که این آمار برای سال ۱۳۹۸، تقریباً ۷/۵ درصد است. روندی که خود نشان‌دهنده گرایش به سمت بازاری شدن آموزش است.



نمودار ۱۰. روند تغییرات دانش‌آموزان مدارس هیئت‌امنی (برحسب هزار)

منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸

مدارس نمونه و تیزهوشان

مدارس نمونه در سال ۱۳۶۵ شروع به کار کردند. در اساسنامه این مدارس آمده است: «به‌منظور تشویق و ترغیب دانش‌آموزان مستعد، به‌ویژه دانش‌آموزان مستعد مناطق محروم و افزایش رشد علمی-تربیتی آنان و جلوگیری از ضایع شدن نیروهای مؤمن و متقی که در تداوم انقلاب اسلامی نقش سازنده دارند و نیز به‌منظور استفاده از تجربیات حاصل در ارتقای کیفیت آموزشی سایر آموزشگاه‌ها، مدارس نمونه (دخترانه، پسرانه) تأسیس می‌گردد» (اساسنامه و دستورالعمل اجرایی مدارس نمونه دولتی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۶۵). این مدارس براساس همین اساسنامه مصوب تا سال ۱۳۹۰ اداره می‌شدند تا اینکه در این سال مصوبه جدیدی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش برای این مدارس تصویب شد. اما مصوبه تفاوتی با آیین‌نامه قبلی نداشت (همان، ۱۳۹۰).

تا قبل از تأسیس سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان (سمپاد)، از بدو پیروزی انقلاب فقط دو مرکز آموزشی تیزهوشان در تهران وجود داشت که تحت پوشش دفتر کودکان استثنایی فعالیت می‌کرد و در سال ۱۳۶۶ در مجموع ۸۰۲ دانش‌آموز داشت (این دو مرکز فرزندان و علامه حلی تهران بودند) که هرلحظه امکان انحلال و ادغام این دو مرکز در مراکز عادی نیز وجود داشت (درگاه اطلاع‌رسانی استعدادها درخشان). تا اینکه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۷ موجب شکل‌گیری این سازمان شد. در این مصوبه آمده است: «به‌منظور تحقق هرچه بهتر امر شناسایی و پرورش استعدادها درخشان کشور در سطوح مختلف تحصیلی، از این پس سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان به‌صورت سازمان وابسته به وزارت آموزش و پرورش اداره می‌گردد. اساسنامه جدید سازمان با پیشنهاد هیئت‌امنی فعلی سازمان به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید» (مصوبه یکصد و پنجاهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۷).

در دههٔ اخیر نیز این مدارس به جز برخی سال‌ها -همان‌طور که در نمودار ۱۱ مشخص است- روند رو به رشدی داشتند. این مدارس نیز با وجود مالکیت دولتی، شهریه دریافت می‌کنند. در جداول ۵ و ۶ شهریه تقریبی دریافتی این نوع مدارس نشان داده شده است.

جدول ۵. میزان تقریبی شهریه مدارس نمونه دولتی (سال ۱۴۰۰)

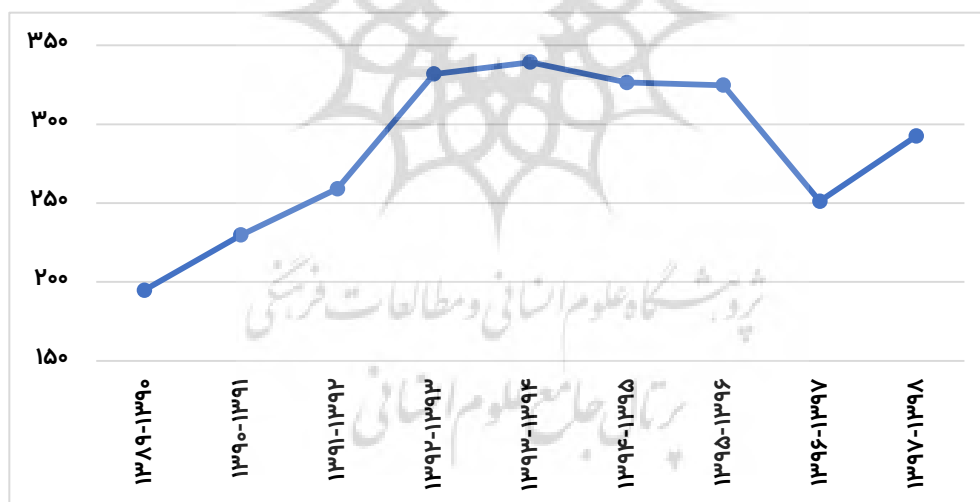
مقطع	حداقل شهریه	حداکثر شهریه
دوره متوسطه اول	۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان	۸ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان
دوره متوسطه دوم	۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	۱۲ میلیون تومان

منبع: مصاحبه‌شوندگان پژوهش

جدول ۶. میزان تقریبی شهریه مدارس تیزهوشان (سال تحصیلی ۱۴۰۰)

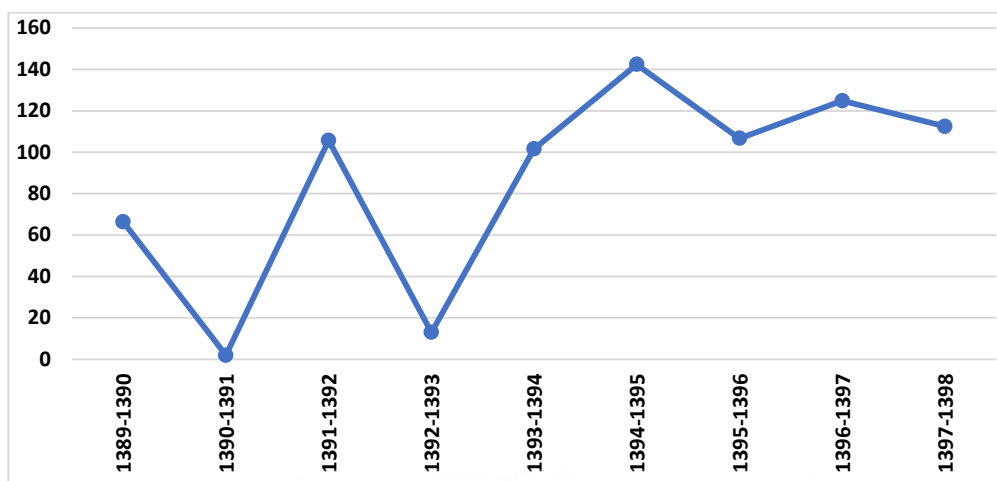
مقطع	حداقل شهریه	حداکثر شهریه
دوره متوسطه اول	۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان
دوره متوسطه دوم	۶ میلیون تومان	۱۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان

منبع: مصاحبه‌شوندگان پژوهش



نمودار ۱۱. روند تغییرات دانش‌آموزان مدارس نمونه (برحسب هزار)

منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۸



نمودار ۱۲. روند تغییرات مدارس استعداد درخشان (برحسب هزار)

منبع: محاسبات محقق براساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۸

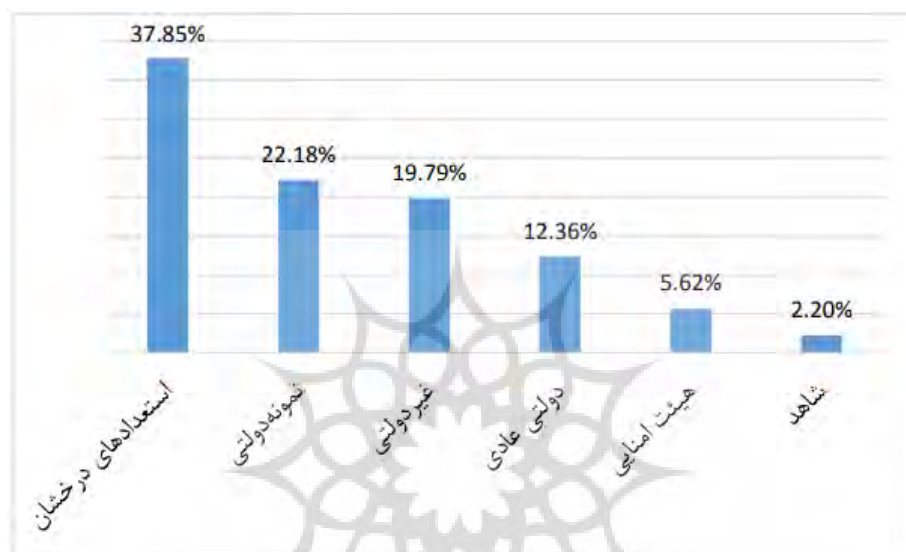
روند تغییرات مدارس نمونه و استعداد درخشان نیز نشان می‌دهد تعداد دانش‌آموزان بیشتری در طی دهه اخیر جذب این مدارس شده‌اند؛ به طوری که در سال ۱۳۸۹، ۱/۵ درصد از کل دانش‌آموزان در مدارس نمونه حضور داشتند؛ در حالی که در سال ۱۳۹۸، این آمار ۲ درصد است. برای مدارس استعداد درخشان، این درصد در سال ۱۳۸۸ تقریباً ۰/۵ درصد بود؛ در حالی که در سال ۱۳۹۸ تقریباً ۱ درصد از کل دانش‌آموزان در مدارس استعداد درخشان عضویت داشتند.

اما موضوع به اینجا ختم نمی‌شود. کارشناسان آموزشی اعتقاد دارند که وجود چنین مدارس خاصی که از امکانات و فضای بهتری برخوردار هستند سبب شده است که کیفیت آموزشی در مدارس دولتی نیز پایین بیاید. همین موضوع سبب شده است که والدین دانش‌آموزان تمایل بیشتری برای بردن فرزندان خود به چنین مدرسه‌ای داشته باشند. همچنین این مدارس معلمان خاصی را نیز جذب می‌کنند و عملاً مدارس دولتی عادی را داشتن چنین معلمان محروم می‌کنند. صحبت‌های مطلعان بیان‌کننده این موضوع است: «پایین بودن کیفیت آموزشی در مدارس دولتی و همین‌طور شلوغ بودن این مدارس باعث شده والدین فرزندانشان رو به سمت مدارس خاص سوق بدن؛ مدرسه‌ای که با داشتن معلمان بهتر، فضا و امکاناتش از نظر کیفیت آموزشی بالاتر از مدارس دولتی عادی باشد. حتی ورود به همین مدارس خاص نیازمند صرف هزینه برای کلاس خصوصی، آزمون‌های آمادگی و خرید کتب کمک‌آموزشی. این هزینه‌ها باعث می‌شود معمولاً دانش‌آموزانی در این مدارس حضور داشته باشند که خانواده‌هاشون ثروتمندتر باشند. الان می‌بینیم مدارس دولتی عادی تقریباً یک‌دست شده. مدارس دولتی عادی جای دانش‌آموزان تهی‌دستیه که از نظر تحصیلی سطح پایینی دارند.»^۲

«توی همین مدارس دولتی عادی به من گفتن تصویری که از تدریس تو مدارس خاص داشتی اینجا نداشته باش. ما هنرمون اینه بتونیم بچه‌ها رو کنترل کنیم فقط. این مدارس خاص معمولاً معلمای مدارس کیفی‌تر رو جذب می‌کنن. این مدارس چون پول می‌گیرن، به این معلما پیشنهاد می‌دن که اگه بیای مدرسه ما، یه چیزی بیشتر از حقوق بهت می‌دیم که جذبتون کنیم. و این اتفاق خیلی زیاد پیش می‌آد. یه جور باج‌گیریه و معلم رو می‌خرن عملاً. حالا این جدای از اینه که بچه‌های درس‌خون‌تر و نخبه‌تر رو هم جذب می‌کنن و مدارس دولتی عادی خالی می‌شه از این دانش‌آموزها.»^۵

«توی مدارس دولتی عادی خیلی کسی انتظار نداره. اما تو این مدارس خاص چون پول می‌دن، باید سطح رو بالا نگه دارن تا سطحشون رو حفظ کنند. و سعی می‌کنن که بالا نگه دارن که ظاهر رو حفظ کنن.»^۱

سهم ناچیز دانش‌آموزان مدارس دولتی عادی، خود گواهی بر تضعیف کیفیت آموزش در مدارس عادی دولتی به‌واسطه ایجاد تعدد مدارس مختلفی است که امکانات و فضای آموزشی بهتری در اختیار دارند.



نمودار ۱۳. سهم انواع مدرسه از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ هزار در پنج گروه آزمایشی^۱

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در چند دهه اخیر با تسلط سیاست‌های نئولیبرال بر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شاهد تحولات عظیمی در این حوزه‌ها بودیم. با تسلط دکترین نئولیبرال بر آموزش و پرورش، شاهد جهت‌گیری‌های متفاوتی در این زمینه بودیم؛ به طوری که اندیشمندانی همچون ورگر (۲۰۱۶) از «صنعت جهانی آموزش»^۲ صحبت به میان آورده‌اند. اعتقاد بر این است که سیاست‌های نئولیبرالی بر دستور کار برنامه‌های آموزشی در سرتاسر جهان مسلط شده‌اند.

تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی مقدمه‌ای برای تغییر در سیاست‌های آموزش و پرورش بود. تحولات اساسی و مهم در دوران پس از جنگ و مسلط شدن برنامه‌های تعدیل ساختاری شروع شد. سیاست‌های نئولیبرالی در عرصه اقتصادی، با اجماع کامل همه نیروهای سیاسی درگیر در ساختار قدرت اجرا شد؛ به گونه‌ای که خصوصی‌سازی بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی به‌عنوان نوشارویی برای وضعیت اسفبار اقتصادی ایران بعد از جنگ معرفی شد (هریس، ۲۰۱۳: ۲۱۳).

در بخش یافته‌های پژوهش، ابتدا به قوانینی که حامی تحولات نئولیبرالی هستند و توسط مراجع مختلف تصویب شدند اشاره کردیم. با تسلط نئولیبرالیسم در آموزش و پرورش در چند دهه اخیر شاهد کاهش نقش دولت در تأمین هزینه‌های آموزش عمومی

۱. برگرفته از مطالعه وزارت آموزش و پرورش (بررسی و تحلیل آماری رتبه‌های برتر کنکور ۱۳۹۹ با رویکرد برابری و عدالت آموزشی، ۱۴۰۰).

2. global education industry

هستیم. علاوه بر کاهش سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی، با بررسی تغییرات سهم بودجه آموزش و پرورش در طول سه دهه اخیر نیز مشخص شد که سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت در برخی سال‌ها به کمتر از نصف کاهش یافته است؛ به طوری که از سهم ۱۹ درصدی در سال ۱۳۷۰ به ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. بعد از تصویب قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، فضا برای حضور بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایجاد شد. در چند دهه اخیر شاهد روند روبه‌رشد مدارس غیرانتفاعی هستیم؛ به طوری که نسبت مدارس غیرانتفاعی به کل مدارس از ۰/۲۵ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۱۶/۲ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است؛ یعنی تعداد مدارس غیرانتفاعی در سه دهه اخیر ۶۴ برابر شده است. همچنین نسبت جمعیت مدارس غیردولتی به کل جمعیت دانش‌آموزان در طول این سه دهه از ۰/۴ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۹۹ افزایش داشته است.

یکی دیگر از نشانگرهای تسلط نئولیبرالیسم در آموزش سیاست انتخاب مدرسه است که در ایران تعدد مدارس (وجود بیست نوع مدرسه) اجرای این سیاست نئولیبرالی را در آموزش و پرورش نشان می‌دهد. تعدد مدارس، خود فضایی برای پیشبرد سیاست انتخاب مدرسه است. علاوه بر آن ما با نوع خاصی از خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش آشنا شدیم که با خصوصی‌سازی‌های مرسوم در دیگر حوزه‌ها متفاوت بود. در چارچوب نظری اشاره شد که بال و یودل از این فرایند به‌عنوان خصوصی‌سازی پنهان یاد می‌کند. این نوع خصوصی‌سازی را در مدارس خاص شاهد هستیم که علی‌رغم مالکیت دولتی از دانش‌آموزان شهریه دریافت می‌کنند. در بررسی‌های پژوهش نیز مشخص شد تعداد مدارس خاص (مدارس شاهد، مدارس نمونه، مدارس هیئت‌امانی و مدارس تیزهوشان) نیز در یک دهه اخیر روبه‌افزایش بوده است. همچنین مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند این مدارس با امکانات و فضای مناسبی که برای خود مهیا ساختند که علاوه بر دامن‌زدن بر بی‌عدالتی آموزشی، عملاً سبب افت کیفیت مدارس دولتی هم می‌شوند. سهم بسیار ناچیز مدارس دولتی در مقایسه با مدارس خاص از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ هزار کنکور، خود گواهی بر این موضوع است.

در نهایت تحولات ملهم از نئولیبرالیسم، یعنی کاهش نقش دولت در تأمین هزینه‌های آموزش و پرورش، تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی و رشد این مدارس، اجرای سیاست انتخاب مدرسه و خصوصی‌سازی پنهان به‌واسطه رشد مدارس خاص در دهه گذشته، علاوه بر لطمه‌زدن به کیفیت مدارس دولتی عادی، سبب بازاری و خصوصی‌شدن آموزش در چند دهه اخیر شده است؛ درحالی که آموزش عمومی رایگان به‌عنوان یک حق و همان‌طور که در قانون اساسی بر آن تأکید شده است، از وظایف اصلی دولت است. اما با تسلط سیاست‌های نئولیبرالی در آموزش و پرورش در چند دهه اخیر، دولت‌ها از مسئولیت خود در این زمینه شانه خالی کرده‌اند. با کنارگذاشتن رویکردهای نئولیبرال و سیاست‌های خصوصی‌سازی و ارائه آموزش رایگان و برابر برای همه می‌توان زمینه را برای دسترسی عادلانه و برابر به آموزش عمومی فراهم کرد. همچنین می‌توان برای جلوگیری از خصوصی‌سازی و بازاری‌شدن آموزش، بخش بیشتری از تولید ناخالص داخلی و همین‌طور بودجه عمومی دولت به آموزش عمومی اختصاص داد. علاوه بر آن با افزایش کیفیت مدارس دولتی از طریق مهیاکردن بودجه و امکانات مناسب برای آن‌ها، زمینه برای دسترسی عادلانه به آموزش برابر فراهم می‌شود و به تدریج از گونه‌های مختلف مدارس کاسته و شرایط برای ادغام آن‌ها در مدارس دولتی عادی فراهم می‌شود.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تحولات آموزش عمومی در ایران پس از انقلاب»، دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه تهران. در این مقاله هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

۶. منابع

- بهمن بیگی، محمد (۱۳۸۸). *بخارای من، ایل من*. شیراز: نوید شیراز.
- درانی، کمال (۱۳۷۶). *تاریخ آموزش و پرورش ایران: قبل و بعد از اسلام*. تهران: سمت.
- سازمان برنامه‌بودجه، قوانین بودجه از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۹). *اساسنامه طرح شاهد*. مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش ایران*. مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۰۶.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۷). *مصوبه یک‌صد و پنجاهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی*.
- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۷۹). *آیین‌نامه اجرایی مدارس*. مصوب ۱۳۷۹/۰۵/۲۰.
- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۸). *آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیئت‌امنایی در مدارس*. مصوب ۱۳۸۸/۰۲/۰۱.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). ج ۱.
- فلیک، اووه (۱۳۹۲). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- فوران، جان (۱۳۷۸). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاجارگر، مرتضی (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر خصوصی‌سازی نظام آموزش و پرورش در ایران*. تهران: زهد.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). *لایحه اصلاح قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی و الحاق موادی به آن*. مصوب ۱۳۸۳/۰۴/۰۷.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۷). *قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی*. مصوب ۱۳۶۷/۰۳/۰۵.
- محمدی، هادی و قائینی، زهره (۱۳۹۰). *تاریخ ادبیات کودکان ایران*. جلد چهارم. تهران: مؤسسه پژوهشی ادبیات کودکان.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۵). *گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزشی ایران*. دفتر مطالعات اجتماعی.
- وزارت آموزش و پرورش، معاونت برنامه‌ریزی، تولید و تحلیل آمار (۱۴۰۰). *بررسی و تحلیل آماری کنکور ۱۳۹۹ با رویکرد برابری و عدالت آموزشی*.
- وزارت آموزش و پرورش، معاونت برنامه‌ریزی، تولید و تحلیل آمار، سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۵). *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: دات.
- هیئت‌وزیران (۱۳۸۸). *اساسنامه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی*. مورخ ۱۳۸۸/۰۵/۲۵.
- هیئت‌وزیران (۱۳۹۵). *اساسنامه صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی*. مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۹.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. جلد اول. تهران: عطار.
- Apple, M. W., & Pedroni, T. C. (2005). Conservative Alliance Building and African American Support of Vouchers: The End of Brown's Promise or a New Beginning? *Teachers College Record*, 107(9), 2068–2105. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9620.2005.00585.x>
- Apple, M. (1998). Under the New Hegemonic Alliance: Conservatism and Education Policy in the United States. In *Education and Change in the Pacific Rim: Meeting the Challenges*, Wallingford, UK, Triangle Books: 79-99.
- Bahman Beigi, M. (2009). *Bukharaye man, eel man*. Shiraz: Navid Shiraz Publications. (In Persian)
- Ball, S., & Youdell, D. (2008). *Hidden privatisation in public education*. London: University of London.
- Behdad, S., & Nomani, F. (2008). *Class and work in Iran*. Translated by: M. Tahid, Tehran: Aghah Publishing. (In Persian)

- Bellei, C., & Orellana, V. (2015). *What Does "Education Privatisation" Mean? Conceptual discussion and Empirical Review of Latin American Cases*.
Budget laws, from 1991-2021. (In Persian)
- Carney, S. (2009). Negotiating policy in an age of globalization: Exploring educational 'policyscapes' in Denmark, Nepal and China. *Comparative Education Review*, 53(1), 63-88.
<https://doi.org/10.1086/593152>
- Collection of approvals of the Higher Education Council. Regulations for the development of public participation in the manner of management of boards in schools. Accessed on 2009/04/21. (In Persian)
- Collection of approvals of the Supreme Council of the Cultural Revolution, approval of the one hundred and fiftieth session of the Supreme Council of the Cultural Revolution, 1988. (In Persian)
- Collection of approvals of the Supreme Council of the Cultural Revolution, the statute of the Shahed plan. Accessed on 1990/11/20. (In Persian)
- Council of Ministers (2008). Regulations of Non-Governmental Schools Organization and Development of People's Partnerships. Accessed on 1988/05/25. (In Persian)
- Council of Ministers (2015). Statute of the Support Fund for the Development of Non-Government Schools. Accessed on 2015/09/19. (In Persian)
- Detailed form of the parliamentary deliberations on the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, 1985, Vol. 1. (In Persian)
- Dolatabadi, Y. (1983). *Hayat Yahya*. Vol. 1. Tehran: Attar. (In Persian).
- Dolby, N., & Rahman, A. (2008). Research in International Education. *Review of Educational Research*, 78(3), 676–726. <http://www.jstor.org/stable/40071141>
- Durrani, K. (1997). *History of Iranian education: Before and after Islam*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Fitz, J., & Hafid, T. (2007). Perspectives on the Privatization of Public Schooling in England and Wales. *Educational Policy*, 21(1), 273–296. <https://doi.org/10.1177/0895904806297193>
- Flick, O. (2013). *An Introduction to Qualitative Research*, Translated by H. Jalili. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Foran, J. (1999). *Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*. Translated by: A. Tadayon. Tehran: Rasa Cultural Services Institute. (In Persian)
- Friedman, M. (1955). The Role of Government in Education. pp. 123–144 In R. Solo (ed.), *Economics and the public interest*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press
- Gerrard, J. (2015). Public education in neoliberal times: memory and desire, *Journal of Education Policy*, 30(6), 855-868. <https://doi.org/10.1080/02680939.2015.1044568>
- Harris, K. (2013). Vectors of Iranian capitalism: Privatization politics in the Islamic Republic. In *Business politics in the Middle East*, London, Hurst: 211–243.
- Harvey, D. (2015). *A Brief History of Neoliberalism*. Translated by: M. Abdollahzadeh. Tehran: Dot publication. (In Persian)
- Hill, D. (2003). Global neo-liberalism: The deformation of education and resistance. *Journal for Critical Education Policy Studies*, 1, 1–50. <http://www.jceps.com/archives/403>
- Hursh, D., & Martina, C. A. (2003). Neoliberalism and schooling in the U.S.: How state and federal government education policies perpetuate inequality. *Journal for Critical Education Policy Studies*, 1, 30–52. www.jceps.com/wp-content/uploads/PDFs/01-2-02.pdf
- Lubienski, C. (2003). Instrumentalist Perspectives on the 'Public' in Public Education: Incentives and Purposes. *Educational Policy*, 17(4), 478–502. <https://doi.org/10.1177/0895904803254964>

- Olsen, M., & Peters, M. A. (2005). Neoliberalism, higher education and the knowledge economy: from the free market to knowledge capitalism. *Journal of Education Policy*, 20(3), 313-345. <https://doi.org/10.1080/02680930500108718>
- Ministry of Education, Department of Planning, Statistics Production and Analysis, Statistical Yearbooks of the Ministry of Education, from 1981-2021. (In Persian)
- Ministry of Education, Deputy Planning, Statistics Production and Analysis (2020). *Research and statistical analysis of the 2019 entrance exam with the approach of equality and educational justice*. (In Persian)
- Moghadasi, F., Karimian, J., Emati, M. B., & Fatemi, Sh. (2017). *Research on the analysis of education policy makers in Iran from the perspective of educational justice*. Institute for Labor and Social Security. (In Persian)
- Mohammadi, H., & Ghaeini, Z. (2011). *History of Iranian children's literature*. Tehran: Children's Literature Research Institute, Vol. 4. (In Persian)
- National Commission on Excellence in Education (1983). *A nation at risk: The imperative for education reform*. Washington, DC
- Parliamentary Research Center (2016). *Typology of schools in the Iranian educational system*. Office of Social Studies. (In Persian)
- Qajargar, M. (2001). *An introduction to the privatization of the education system in Iran*. Tehran: Zohd. (In Persian)
- Rikowski, G. (2002). Globalisation and education: Inquiry into the global economy. *A Paper prepared for the House of Lords Select Committee on Economic Affairs*. London, UK. <http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.18776.32002>
- Robertson, J. E. (2003). Teachers' Perceptions of Accountability at an International School. *Journal of Research in International Education*, 2(3), 277-300. <https://doi.org/10.1177/1475240903002003002>
- Robertson, S. L. (2000). *A class act: Changing teachers' work, the state, and globalization*. New York: Falmer Press.
- Ross, W., & Gibson, R. (2007). *Neoliberalism and education reform*. Cresskill: Hampton Press.
- Statistical yearbooks of the Ministry of Education, from 1981-2021. (In Persian)
- Stephen, J. B. (2003). The teacher's soul and the terrors of performativity. *Journal of Education Policy*, 18(2), 215-228. <https://doi.org/10.1080/0268093022000043065>
- The Islamic Consultative Assembly, Law on the Establishment of Non-Profit Schools. Accessed on 1988/05/26. (In Persian)
- UNESCO Institute for Statistics (UIS), (<http://data.uis.unesco.org>). Accessed on 22/04/2022.
- UNESCO. Global Education Monitoring Report 2019: Migration, Displacement and Education - Building Bridges, not Walls. Paris, UNESCO.
- Verger, A., Lubienski, C., & Steiner-Khamsi, G. (2016). The emergence and structuring of the global education industry: Towards an analytical framework. In *World yearbook of education 2016: The global education industry*, New York, Routledge: 1-23.
- Ward, S. C. (2012). *Neoliberalism and the global restructuring of knowledge and education*. New York, NY: Taylor and Francis.
- World Bank, Education Statistics (<https://data.worldbank.org/indicator/SE.XPD.TOTL.GD.ZS>). Retrieved from 22/04/2022